

مطالعه تطبیقی نهادهای جایگزین ازدواج دائمی در حقوق ایران و انگلستان

فاطمه همتی حاجی پیرلو*^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

رقیه سادات مؤمن^۲

چکیده

غریزه جنسی از طبیعی‌ترین غرایز وجودی انسان برای بازتولید نسل است و خداوند ضمن طراحی دین اسلام، برنامه جامعی تحت عنوان ازدواج برای پاسخگویی به این نیاز طبیعی بشر، تدارک دیده است. نظام حقوقی ایران به تاسی از مقررات اسلامی، ازدواج دائم را به عنوان راهکار اصلی مسئله معرفی نموده است و در شرایطی که امکان تحقق آن وجود ندارد، ازدواج موقت را پیشنهاد و ضوابط دقیقی برای آن معین می‌نماید. نظام حقوقی انگلستان نیز در ابتدا ازدواج را به عنوان اصلی‌ترین راه پاسخگویی به این نیاز در نظر گرفته بود؛ اما در دهه‌های اخیر، نهادهای مختلفی همچون ازدواج سفید، عرفی و همباشی در جوامع غربی شکل گرفته و موجب تغییر مسیر اولیه رفع نیاز مذکور گردیده‌اند. با توجه به گسترش ارتباطات در عصر حاضر، جامعه ایرانی نیز از تأثیرات این نهادها مصون نمانده و با مشکلاتی مواجه شده است. نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، با رویکرد تطبیقی به حقوق ایران و انگلستان، به تبیین ماهیت و ویژگی‌های هریک از نهادهای جایگزین ازدواج دائم، در این دو نظام پرداخته است. نتیجه حاصل نشان می‌دهد که در میان نهادهای فوق، ازدواج موقت از امتیازات بیشتری برخوردار است و در هنگام ضرورت، می‌تواند جایگزین مناسبی برای ازدواج دائم باشد.

کلیدواژه‌ها

ازدواج، ازدواج موقت، ازدواج سفید، ازدواج عرفی، همباشی، حقوق انگلستان، حقوق ایران.

۱. (نویسنده مسئول) دانش‌آموخته گروه حقوق خانواده، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

hemmati.f.57@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق^(ع)، پردیس خواهران، تهران، ایران.

sadatmomen@isu.ac.ir

مقدمه

نکاح، سنتی فطری و نهادی اجتماعی است که از دیرباز در جوامع انسانی وجود داشته و تمام ادیان و قوانین، راهکارهای رفع نیازهای گوناگون افراد را ذیل آن تعریف نموده‌اند؛ زیرا مصلحت فرد و جامعه در این است که زن و مرد پیمان ازدواج ببندند و خانواده‌ای تشکیل بدهند. در بعد فردی، نکاح مایه آسایش و مانع آلوده شدن انسان می‌گردد و در بعد اجتماعی نیز، جامعه‌ای سعادت‌مند می‌شود که روابط زن و مرد در آن قانونمند و بر پایه اصول صحیحی استوار شده باشد. مهم‌ترین نهاد در اجتماع، خانواده است و سعادت یا شقاوت هر جامعه به وضعیت نهاد خانواده بستگی دارد. خانواده سالم فرزندان مفیدی تربیت می‌کند که به پیشرفت و رشد جامعه کمک می‌کنند؛ درحالی که فرزندان ناشی از روابط آزاد اغلب از تربیت صحیح محروم و عناصری بزهکار و سرریار جامعه‌اند (امامی و صفایی، ۱۳۹۵، ص ۳۷).

نظام‌های حقوقی مختلف در سطح جهان، به موضوع ازدواج توجه کرده، با وضع مقرراتی، سعی در سامان دادن این پدیده دارند. نظام حقوقی اسلام (که منبع نظام حقوقی ایران می‌باشد) در شرایط عادی بر ازدواج دائم تأکید دارد؛ اما این مسئله سبب نشده است تا از تمهید نهادی برای شرایط استثنایی که امکان ازدواج دائم وجود ندارد، غافل گردد. پیشنهاد این دین آسمانی به کسانی که به دلایل مختلف نمی‌توانند به صورت دائمی ازدواج کنند، مُتعه یا ازدواج موقت است. البته اجرای این حکم به سهولتی که بسیاری از مردم تصور می‌کنند، نیست و ضوابط محکمی برای آن وضع شده که همگی در جهت حفظ حرمت‌ها و عفت جمعی است. با وجود این طرح متقن، پس از تحولاتی که برای خانواده در غرب اتفاق افتاد، خانواده ایرانی نیز به فراز و نشیب‌هایی گرفتار آمد که وضعیت آن را از دهه‌های سابق متمایز کرد و با حرکت به سوی روابط خارج از چارچوب، اساساً بنیاد خانواده به خطر افتاد. درواقع با بغرنج شدن مسائل اقتصادی، افزایش سن ازدواج و همچنین ورود ارزش‌های جهانی از طریق ابزارهای جدید ارتباطی، به تدریج رفتارهای جدیدی نیز در میان جوانان ایرانی شکل گرفته که از مهم‌ترین آنها، گسترش روابط جنسی پیش‌از ازدواج است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۵).

کشورهای غربی از جمله انگلستان (که موضوع تحقیق حاضر می‌باشد) با مفهوم ازدواج

موقت بیگانه نیستند و نهاد یادشده به صورت یک سنت در تاریخ این کشورها جاری بوده است. مطابق متون تاریخی، متعه از قرن چهارم میلادی در غرب جریان داشته است؛ برای مثال، در روم، همسران متعه‌ای با همسران ساده تفاوت‌هایی داشتند؛ از قبیل اینکه متعه برای همسرش جهیزیه نمی‌آورد، او مانند زن دائم به طبقه اجتماعی شوی ارتقا نمی‌یافت، اطفال وی از لحاظ قانونی به پدر ملحق نبودند و فقط به مادر تعلق داشتند (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۲۲). اما امروزه چنین نهادی منسوخ شده است و نهادهایی همچون همباشی، ازدواج عرفی و... جایگزین آن گردیده‌اند.

خانواده ایرانی نیز از این نهادهای نوظهور تأثیر پذیرفته و این در حالی است که پدیده‌های مزبور به هیچ‌وجه با آموزه‌های دینی و فرهنگی جامعه ایرانی همخوانی ندارد و متأسفانه برخی از جوانان بدون شناخت کافی از ماهیت اصلی آن، تن به این نوع پیوندها داده، با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند (رحمت‌آبادی و کاریزی، ۱۳۹۶، ص ۷۸). علی‌رغم رواج روزافزون این مسئله، پژوهش تطبیقی جدی‌ای درباره آن صورت نگرفته و همین امر سبب ایجاد کج‌فهمی‌ها و شائبه‌های بسیاری شده است. از این رو، در تحقیق حاضر، دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد بررسی قرار خواهند گرفت تا مشخص گردد در صورتی که امکان ازدواج دائمی و رسمی وجود نداشته باشد، برنامه جایگزین هریک از این نظام‌ها به چه صورت خواهد بود و این برنامه‌ها چه ویژگی‌ها و تبعاتی به همراه دارند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. ازدواج

نکاح یا ازدواج در قانون مدنی ایران و بسیاری از کشورها، همچون قانون مدنی فرانسه، تعریف نشده است، اما عده‌ای از حقوقدانان در تعریف آن گفته‌اند: نکاح قراردادی است که به موجب آن، زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، خانواده‌ای تشکیل می‌دهند (امامی و صفایی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). ممکن است گفته شود این تعریف، نکاح منقطع را در بر نمی‌گیرد؛ ولی می‌توان گفت در نکاح منقطع نیز، تشکیل نوعی خانواده مدنظر است و شرکت در زندگی و اتحاد زن و مرد تحقق می‌یابد؛ اگرچه خانواده‌ای که بدین‌سان تشکیل می‌شود، به استحکام و ارزش خانواده ناشی از نکاح دائم نیست و تعاون و همبستگی خانوادگی در

نکاح دائم به مراتب بیشتر است.

همان‌طور که مشخص شد، نکاح در حقوق ایران بر دو قسم است: نکاح دائم و نکاح منقطع که آن را متعه و نکاح موقت نیز می‌گویند. در این نوشتار به مناسبت موضوع پژوهش، از بحث درباره نکاح دائم صرف نظر و به نکاح منقطع بسنده می‌شود.

۲. متعه

کتاب قاموس المحيط درباره کلمه متعه چنین آورده است: چیزی که بدان بهره‌برداری می‌شود، اما بهره‌ای کم و زودگذر و به معنای مشک آب و دلو طناب چاه است؛ گفته می‌شود برای او متعه‌ای نیست؛ یعنی بهره‌ای نیست ... نکاح المتعه نکاحی است که در عقد، وقت آن تعیین شود (کریمی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). در کتاب العباب در مورد متعه چنین نوشته شده است: مرد با زن شرط می‌کند که چیزی به او بدهد برای مدتی معین؛ درمقابل، آن زن خویش را در آن مدت در اختیار مرد بگذارد؛ بدون اینکه در اول ازدواج صورت گیرد یا بعد طلاق داشته باشد (موراتا، ۱۳۵۸، ص ۱۳).

دیدگاه اسلام در خصوص ازدواج

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی، تمامی جوانب را در نظر گرفته و برای هر یک از ابعاد زندگی بشر تدبیری اندیشیده است که موجب پویایی این دین و انطباق آن با تغییرات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... می‌گردد. به بیان دیگر، از خصوصیات دین مقدس اسلام این است که همیشه بر حاجات ثابت انسان مهر ثابت زده است، اما حاجت‌های متغیر را تابع حاجت‌های ثابت قرار داده و این اعجازی است که در ساختمان دین به کار رفته (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۲۲). ازدواج و تشکیل خانواده نیز به‌عنوان یکی از نیازهای انسان، مورد توجه دین مبین اسلام قرار گرفته و احکام متعددی بر آن بار شده است. اسلام با در نظر گرفتن مصلحت فرد و جامعه، به ازدواج دائم تأکید دارد و تنها در شرایطی نکاح موقت را تجویز می‌کند که امکان ازدواج به‌صورت دائم وجود ندارد.

آنچه در آیات و روایات متواتر بر آن تأکید شده و در سیره معصومین بسیار مورد توجه است، امر به نکاح دائم می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: و البته باید مردان بی‌زن و زنان

بی‌شوهر و کنیزان و بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآوردید، اگر آن مردان و زنان فقیرند، خدا به لطف و فضل خود آنان را بی‌نیاز خواهد فرمود.^۱ در این آیه، تأکید بر آن است که هرکس از مسئولان جامعه و خانواده مأمور است که به نکاح افراد بدون همسر بیندیشد و اگر قید صالحین می‌آورد، کنایه از این است که قبل از آنکه شخص صلاحیت و پاکی را از دست دهد، درصدد ازدواج دائم او برآید و مشکل اقتصادی را مانع ازدواج دائم قرار ندهید؛ زیرا غنای مالی را، مطابق این آیه کریمه، خداوند در پرتو ازدواج، خود ضمانت کرده است، ولی ضمانت صلاحیت اخلاقی را به عهده برنامه‌ریزان زندگی فرد قرار داده که با حمایت و کمک خود، وی را در تشکیل خانواده تشویق و استمداد نمایند. حتی اسلام دریچه روزی و گشایش رزق را در گرو ازدواج دائم نهاده و می‌فرماید: *الرِّزْقُ مَعَ الْاَهْلِ وَالْعِيَالِ* و ازدواج دائم را متضمن سکونت و آرامش برای زن و مرد می‌شمارد (میرخانی، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

با عنایت به موارد گفته‌شده، معلوم می‌شود که دین اسلام از یک طرف، ازدواج دائم را اصل می‌داند و از طرفی، سعی در ترویج ازدواج موقت به جای ازدواج دائم را امری ناصواب می‌شمارد. نهاد یادشده نه تنها با واقعیات عرفی جامعه ما همخوانی ندارد، بلکه عدم تبیین صحیح آن حتی می‌تواند به تضعیف بنیان خانواده و بی‌بندوباری افراد مغرض منجر گردد. در همین زمینه، روایتی از حضرت امام رضا^(ع) منقول است که به پیامدهای ناگوار سوءاستفاده از این حکم الهی اشاره دارد: «از اصرار بر متعه امتناع کنید و سنت [ازدواج دائم] را به پای دارید. با پرداختن به متعه، از همسران خویش غافل نشوید تا آنان از دین خدا روی گردانند و از دوستی ما منصرف شوند و بر بنیان‌گذار این [متعه] متعرض شده و ما را نفرین نمایند» (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۲). در حدیثی دیگر از حضرت امام صادق^(ع) نقل شده است: «حماد گوید امام^(ع) به من و سلیمان بن خالد فرمودند: به تحقیق متعه از جانب من برای شما دو نفر مادامی که در مدینه هستید، حرام شده؛ زیرا ارتباط شما با من زیاد است و نگرانم که عمل شما مورد مواخذه قرار بگیرد و بگویند: اینها اصحاب جعفر بن محمد می‌باشند» (حر عاملی، ۱۳۷۶ ق. ۱، ص ۴۵۰). از نمونه‌های بیان‌شده، کاملاً پیداست که ائمه اطهار اگرچه معتقد

۱. *وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ* (نور، ۳۲).

به اباحه متعه بوده‌اند، اما در شرایطی که کوچک‌ترین احتمال سوءبرداشت وجود داشت، به‌صراحت از آن منع کرده‌اند.

با تمام این تفاسیر، نمی‌توان متعه را که حکمی الهی است، به کلی کنار گذاشت؛ بلکه لازم است این مفهوم دینی تبیین شود و شرایط و ویژگی‌های آن برای همگان بیان گردد تا در موقعیتی که انجام ازدواج دائم برای فردی میسر نیست، به این نکته آگاه باشد که دین مبین اسلام برای وضعیت استثنایی او نیز، چاره‌اندیشی کرده و بدین ترتیب، وی را از پناه بردن به دامن نهادهای برون‌دینی بی‌نیاز نموده است. بدیهی است که بیان چنین مطالبی به‌معنای ترویج متعه و جایگذاری آن به‌عنوان راه‌حل اصلی اسلام برای پاسخگویی به نیازهای افراد نیست و تنها به‌عنوان نهاد جایگزین ازدواج دائم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ازدواج موقت و ویژگی‌های آن

متعه یا نکاح منقطع یا چنان‌که امروزه مصطلح گردیده، ازدواج موقت یا به تعبیر عامه مردم، صیغه از ابتدا در اسلام مشروع شناخته شده است. برخی آن را جزء سنن پیش از اسلام می‌دانند که اسلام آن را قبول کرده و به‌اصطلاح جزء احکام امضایی است (اسدی مهماندوستی، ۱۳۸۸، ص ۱۶). آیه‌ای که در تجویز متعه به آن اشاره شده، آیه ۲۴ سوره نساء است: «بر شما حلال است با مال خویش زنی به همسری برگزینید و پاکدامن باشید و به زنا آلوده نگردید و مهر زنانی را که به متعه می‌گیرید، بپردازید که این امر بر شما واجب است»^۱.

بدین ترتیب، در اینکه ازدواج موقت در ابتدا در اسلام وجود داشته، هیچ شکی نیست و تنها در نسخ آن میان شیعه و سنی اختلاف است؛ به این صورت که شیعیان قائل به بقای آن هستند و اهل سنت بر تحریم آن به‌واسطه سنت استناد می‌کنند (نیشابوری، بی‌تا، ص ۱۲۴۱). در همین زمینه، از جابر بن عبدالله انصاری چنین نقل شده است: ما در زمان رسول اکرم (ص) و در زمان ابوبکر و نیمی از دوران خلافت عمر، متعه اختیار می‌کردیم. سپس عمر آن را بر مردم قدغن ساخت. سخن عمر در تحریم متعه چنین است: دو نوع متعه در عهد رسول‌الله (ص)

۱. وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً.

وجود داشت که من هر دو را قدغن می‌کنم و متخلفان را مجازات خواهم نمود. یکی متعاً حج (حج تمتع) و دیگری متعاً زنان (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۳۳۷). برخی از اهل سنت در مقام توجیه این اقدام خلیفه گفته‌اند که متعه، نخست توسط خود پیامبر (ص) تحریم شده بود و عمر به‌عنوان خلیفه و مجری شرع، بر نهی پیامبر (ص) تأکید مجدد نموده است؛ درحالی که صراحت بیان خلیفه دوم راه را بر این توجیه می‌بندد و جایی برای بحث باقی نمی‌گذارد که تحریم متعه نه از جانب رسول‌الله (ص) که از طرف خود خلیفه دوم صورت گرفته است (قنبریان، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵). این اقدام در واقع بدعت‌گذاری، اجتهاد به رأی، مقابله با نص و به‌نوعی تجاوز به حریم شرع است. خلیفه دوم درحالی به این عمل دست یازیده است که خود درمقابل اهل رأی فریاد اعتراض برمی‌آورد و می‌گوید: از اهل رأی دوری کنید که آنان دشمن سنت هستند و مردم را نیز گمراه کرده‌اند (مقدسی، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۵۴) و حال آنکه در اینجا، خود به‌صراحت اذعان به تحریم خودسرانه متعه می‌نماید.

ارکان ازدواج موقت

صیغه

در ازدواج موقت، همانند سایر عقود، تنها اراده و رضایت زن و مرد برای تحقق عقد کافی نیست؛ بلکه باید از الفاظی استفاده کرد که قصد طرفین را مبنی بر ازدواج موقت برساند. متعه در زمره عقود و در نتیجه نیازمند ایجاب و قبول است. ایجاب مانند نکاح دائم از طرف زن است و با یکی از الفاظ «انکحتک»، «زوجتک» و «متعنتک» منعقد می‌گردد. قبول نیز از طرف مرد و به لفظی که دال بر رضایت باشد، صادر می‌شود. ترتیب ایجاب و قبول اهمیت چندانی ندارد. صیغه متعه بنابر عقیده علامه حلی، باید به لفظ ماضی باشد؛ اما اکثر علما معتقدند خواندن آن به لفظ مضارع نیز جایز است، مشروط به آنکه قصد انشا وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۰۸ ق، ص ۱۱۳؛ موراتا، ۱۳۵۸، ص ۲۰).

مدت

مدت در ازدواج موقت باید مشخص باشد و به‌نحوی تعیین گردد که احتمال کم و زیاد شدن در آن وجود نداشته باشد. ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی نیز در این خصوص وضع شده

است: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد». از مفهوم ماده مذکور به دست می‌آید که چنانچه مدت در متن عقد ذکر نشود، متعه منعقد نمی‌شود و به عقد نکاح دائم مبدل می‌گردد. این نظر مشهور فقهای عظام است و به نظر می‌رسد برگرفته از روایت ابن بکیر از امام صادق^(ع) باشد که فرموده‌اند: «اگر مدت را ذکر کند، متعه است و اگر ذکر نکند، به عنوان نکاح دائم پابرجا می‌ماند» (امامی، ۱۳۶۸، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ امینی و آیتی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴؛ احمد بن حنبل، ۱۲۱۴ ق، ص ۵۸۹). البته دسته دیگری از فقها نیز معتقدند که در صورت عدم ذکر مدت، اصل عقد باطل می‌شود و به نکاح دائم نیز تبدیل نمی‌شود؛ زیرا اجماعاً ثابت شده که ذکر مدت، شرط متعه است و لذا هرگاه شرط منتفی شد، مشروط نیز منتفی می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۲۱۶). قانون مدنی در ماده ۱۰۷۵، قول مشهور فقها را پذیرفته است. دلیل این موضوع را باید در قصد متعاملین در انعقاد نکاح جستجو نمود. از آنجا که ذکر مدت یکی از شرایط اساسی نکاح متعه است و عدم ذکر آن نمی‌تواند افاده قصد متعاملین بر انعقاد عقد نکاح دائم نماید، می‌توان بطلان عقد را از عدم درج شرط نتیجه گرفت؛ چراکه از ابتدای کار نیز، قصد و اراده هر دو بر انعقاد نکاح موقت استوار بوده است نه نکاح دائم.

مهر

مهر یا صداق که به فارسی کابین گفته شده، مالی است که زن بر اثر ازدواج، مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود (امامی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۶). طبق ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی، هر چیزی را که مالکیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد. در ازدواج موقت، لازم است که در متن عقد، مهریه‌ای از مال معلوم ذکر شود و مقدار آن از زیادت و نقصان محفوظ باشد. اگر به ذکر مهریه اخلاص کرد، بدون خلاف، عقد باطل است و در این باره روایات مستفیضه وجود دارد (حر عاملی، ۱۳۷۶ ق، صص ۴۶۵ و ۴۶۶). ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی در همین راستا مقرر می‌دارد: در نکاح منقطع، عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

با اینکه تفاوت‌هایی میان احکام مهر در نکاح دائم و موقت وجود دارد، ولی بعید است تفاوت ماهوی چشمگیری بین آنها باشد و شباهت بیشتر نکاح منقطع به عقد اجاره نمی‌تواند

منشأ تفاوت ماهوی چندانی در بین این دو گونه از مهر شود (حلبیان و ناصری مقدم، ۱۳۹۷، ص ۵۹). در مورد ماهیت مهر در نکاح موقت، به دو روایت زیر استناد می‌شود.

• روایت اسحاق بن عمار: به حضرت ابوالحسن^(ع) گفتم: زن به ازدواج موقت درآمده و به نفع مرد شرط کرده که هر روز نزد او بیاید تا به شرط مرد وفا کند یا اینکه شرط کرده در روزهای معلومی نزد مرد بیاید و نسبت به مرد عهدشکنی می‌کند... پس آیا برای مرد جایز است که به مقدار روزهایی که نیامده از [مهر] زن کم کند؟ حضرت فرمودند: به مقداری که زن وفا نکرده از مهر منع می‌شود مگر ایام حیض (حر عاملی، ۱۴۲۴ ق، صص ۶۱ و ۶۲).

• روایت عمر بن حنظله: به حضرت ابوعبدالله^(ع) گفتم: زن را به مدت یک ماه به ازدواج درمی‌آورم به مهر مسمی و او مقداری از ماه می‌آید و به مقداری وفا نمی‌کند. حضرت فرمودند: به مقداری که از تو منع کرده، از صداق او کم می‌شود، مگر ایام حیض؛ پس آن ایام برای اوست (همان‌جا).

فتاوا^۱ نیز مؤید آن است که در صورتی که زن به مدت وفا نکند، از مهر او کاسته می‌شود. پس در ازدواج موقت، جنبه اجرت بودن مهر، بروز بیشتری دارد؛ هر چند ماهیت آن تغییر نمی‌کند (حلبیان و ناصری مقدم، ص ۶۰).

ویژگی‌های ازدواج موقت به عنوان نهاد جایگزین ازدواج دائم

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، پیش‌فرض یک ذهن سالم این است که هر شریعت پویا و هر قانون همه‌جانبه‌ای باید بتواند برای تأمین نیازهای گوناگون جوانان یا کسانی که نمی‌توانند ازدواج دائم داشته باشند، بهترین راه حل ممکن را با کمترین عوارض منفی ارائه کند. اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی، از ازدواج موقت به عنوان نهادی نام می‌برد که همه ابعاد آن واقع‌گرایانه، روشن و متعهدانه است (نظافتی، ۱۳۹۶، ص ۵۶). در واقع اسلام نگاهی حکیمانه

۱. برای مثال، «زوجه موقت چنانچه از وطی بدون مانع شرعی (مانند مرض یا ایام عادت ماهیانه) امتناع ورزد و تمکین ننماید، به نسبت از همان مدت مهریه ساقط می‌گردد و زوج می‌تواند در صورت پرداخت تمام مهریه، آن مقدار را مسترد نماید» (استفتائات ازدواج موقت، مندرج در سایت www.hashemishahroudi.org).

به جامعه و مقتضیات آن دارد و بهترین راهکار را ارائه می‌دهد. این درحالی است که در مسیحیت رهبانیت و ترک ازدواج توصیه شده است و اخیراً نیز اندیشمندان غربی از خویشتن‌داری جنسی یاد می‌کنند و شعار ایشان این است: «فقط خویشتن‌داری جنسی تا هنگام ازدواج». هرچند اصل چنین برنامه‌ای گامی مثبت به شمار می‌رود، در شیوه اجرا نقایصی دارد که سبب ناکارآمدی آن شده است.^۱

اهم دلایلی که می‌توانند ازدواج موقت را به‌عنوان نهاد جایگزین ازدواج دائم در شرایط خاص معرفی نمایند و سبب رجحان آن بر نهادهای مشابه غربی شوند عبارت‌اند از:
 ۵ - ۱. معین بودن مدت: طبق ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی، مدت در نکاح موقت باید کاملاً معین باشد. مشخص بودن مدت امتیاز ویژه‌ای است؛ چراکه در چنین ارتباطی، زن و مرد از ابتدا برای زمان معینی برنامه‌ریزی می‌کنند و چون می‌دانند رابطه، موقت است، آن‌چنان وابسته یکدیگر نمی‌شوند و به این دلیل که پایان مدت و جدایی از ابتدا متصور است و مسئله دور از انتظاری برای طرفین نیست، آسیب کمتری وارد می‌شود. درحالی که در همباشی اساس بر موقت بودن هم‌خانگی نیست و خصوصاً دختران ضریات روحی شدیدی را متحمل می‌شوند؛ چراکه در این رابطه، هیچ قید به‌خصوصی وجود ندارد و فرد می‌تواند بی‌مقدمه به آن خاتمه بخشد. بدیهی است که شوک و آسیب حاصل از این امر بسیار عمیق‌تر از رابطه‌ای همچون ازدواج موقت است که زمان پایان آن از ابتدا مشخص گردیده.

۵ - ۲. تأمین مشروع نیاز جنسی: در نکاح موقت، ارضای نیاز جنسی نه‌تنها باید در شأن انسان باشد و به شخصیت و عزت فردی و اجتماعی او آسیب نرساند، بلکه زمینه رشد مادی و معنوی او را نیز فراهم کند. دوستی و رابطه بدون چارچوب به بدترین و نکوهیده‌ترین وجه، در پی احقاق این حق است؛ درحالی که اسلام با ارائه راهکاری همچون ازدواج دائم و موقت، ضمن تأمین نیاز بشر، کرامت او را نیز حفظ می‌کند (نظافتی، ۱۳۹۶، ص ۶۴).

۵ - ۳. عده: طبق فقه اسلامی، در صورت جدایی زن و مرد از یکدیگر (خواه در ازدواج موقت و خواه در ازدواج دائم)، چنانچه بین ایشان زناشویی صورت گرفته باشد، زن موظف است مدتی از ازدواج مجدد خودداری کند. این درحالی است که در همباشی، هم‌خانه‌ها به حفظ عده

پایبندی ندارند و مکرر دیده شده است که برخی زنان از رابطه‌ای به رابطه دیگر وارد شده‌اند و در حاملگی‌های ناخواسته، خود زن هم نمی‌داند این فرزند از آن کدامین شریک جنسی است و به این ترتیب، نسب فرزند امری مجهول می‌گردد و در بزرگسالی، فردی بی‌هویت و تهی از اعتماد به نفس است که از حق داشتن پدر واقعی محروم شده (نظافتی، ۱۳۹۶، ص ۶۵).

۵ - ۴. هویت‌بخشی به کودکان: در فقه امامیه، ولد ناشی از زنا به زانی و زانیه ملحق نمی‌شود؛ مسئله مذکور به این دلیل است که حریم خانواده محترم شمرده شود و ارزش‌های اسلامی نیز مورد حمایت قرار گیرند. مطابق ماده ۸۸۴ قانون مدنی و رأی وحدت‌رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳، کودکان نامشروع از والدین خود ارث نمی‌برند و در نتیجه بار گناه دیگران را باید کودک نامشروع به دوش بکشد و به دلیل مسائلی از این دست، به فردی بی‌هویت و سرگردان تبدیل می‌شود. واقعیت این است که عدم توجه به این کودکان یا تحقیر آنان سبب بروز مخاطرات فراوانی برای جامعه می‌گردد. درحالی‌که در ازدواج موقت، تکلیف فرزندان از همان ابتدا از لحاظ نسب و ... کاملاً مشخص است و پدر باید مانند فرزندان ناشی از ازدواج دائم، از این کودک نیز مراقبت کند. هویت فرزند و انتساب او به والدین شرعی و قانونی خود نیز کاملاً معلوم است (همان‌جا).

دلایل بالا به‌رغم محدودیت، به‌خوبی برتری ازدواج موقت را نسبت به رقابیش نشان می‌دهند و بیانگر آن‌اند که در وضعیت فعلی جامعه، بهترین راه برای افراد ناتوان از ازدواج دائم، نکاح موقت است. گرچه از سیاق قانون‌نویسی ایرانی، این‌طور استنباط می‌شود که اصل بر ازدواج دائم می‌باشد، برای آن دسته از اشخاص که قادر به این کار نیستند، نسخه ازدواج موقت تجویز می‌شود تا از انواع روابط نامشروعی که از آنها نام برده شد، در امان بمانند و خواست خداوند متعال، که همان سلامت و پاکی جامعه می‌باشد، اجرایی گردد.

پس از بررسی ازدواج موقت و ارکان آن در نظام حقوقی ایران، معرفی نهادهای مشابه که در نظام حقوقی غرب (و انگلستان به‌مناسبت موضوع تحقیق)، سر بر آورده‌اند، ضروری می‌نماید. لذا در بخش بعدی به انواع مفاهیم مشابه ازدواج موقت پرداخته می‌شود.

ازدواج موقت و مفاهیم مشابه در نظام حقوقی انگلستان

بسیاری از حقوقدانان انگلیسی معتقدند که ازدواج عبارت است از: اتحاد داوطلبانه یک مرد و یک زن در برابر افراد دیگر (Welstead and Edwards, 2013, P.17). این عبارت کوتاه، تعریف کامل و مناسبی را از ازدواج‌های امروزی به دست نمی‌دهد؛ چراکه ازدواج‌های عصر حاضر به‌سختی تا انتهای عمر افراد تداوم می‌یابند و طلاق نیز به‌راحتی قابل انجام است. ضمناً با تصویب قانون «تشخیص جنسیت» انگلستان در سال ۲۰۰۴، ازدواج تنها به زن و مرد محدود نمانده و در بخش‌های متعددی از این قانون (از جمله مواد ۱۱، ۱۲ و ۲۱)، ازدواج با همجنس و چندهمسری نیز قانونی تلقی گردیده است. متأسفانه امروزه زوجین در ضمن مراسم ازدواج، جایگاه همسری را می‌پذیرند؛ اما بسیاری از آنها اطلاعات اندکی از حقوق و تکالیف ایام زوجیت دارند و تنها در زمان بروز مشکل از این مسائل آگاه می‌شوند (Welstead and Edwards, 2013, P.17).

در سال‌های میانی دهه ۶۰ میلادی، هم‌خانگی در اروپا آغاز شد و در مرحله اول در شمال این قاره و در سوئد به وقوع پیوست (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۸). در اواخر این دهه، تحولات گسترده‌ای در کشورهای اروپایی و آمریکایی رخ داد که در وهله اول به انقلاب جنسی منجر شد و به مرور، گفتمان، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی را دچار تغییر کرد. از مهم‌ترین نتایج این انقلاب، گسترش روابط پیش از ازدواج در غرب بود که به تدریج به سایر نقاط جهان نیز سرایت کرد. در این دوره، رابطه جنسی به امری عادی بدل شد که قبل از ازدواج نیز دست‌یافتنی می‌نمود. سپس توسعه الگوهای ازدواج سفید سبب تضعیف بنیان‌های ازدواج گردید و ارزش‌های جامعه را تغییر داد؛ به‌طوری که جوانان از زندگی مشترک بدون ازدواج، استقبال بیشتری به عمل آوردند (Grossbard, 2014, P.2).

پدیده مزبور پس از کسب مقبولیت در کشورهای یادشده، گسترش بیشتری یافت و در مرحله دوم، در دهه ۷۰ میلادی به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئیس، آلمان، هلند و انگلستان اشاعه یافت. سپس در مرحله سوم از حیات تاریخی خویش، در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، به جنوب اروپا و کشورهایی چون ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و یونان انتقال یافت. بدین ترتیب، هم‌خانگی در اروپا با درنوردیدن سرزمین‌های گوناگون، به تدریج از رفتاری

انحرافی و نابهنجار به رفتاری بهنجار و پیش‌پاافتاده تغییر معنا داد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

امروزه زندگی بدون ازدواج به یک سبک زندگی رایج در غرب تبدیل شده است؛ به طوری که بیش از دوسوم زوج‌های آمریکایی پیش از ازدواج رسمی، مدتی را بدون ازدواج با یکدیگر زیر یک سقف می‌گذرانند (رحمت‌آبادی و کاریزی، ۱۳۹۶، ص ۸۱) و اگر در گذشته تنها سن ازدواج بالا رفته بود، با نهادینه شدن تفکرات نوین، تعداد ازدواج‌ها نیز کاهش چشمگیری یافت. بنابراین روابط جنسی در گذشته در اروپا و بالتبع انگلستان کم‌وبیش سر و سامانی داشته است؛ اما امروزه با گسترش فرویدیسیم و آنارشسیسم جنسی، حصارهای اخلاقی در روابط زن و مرد کاملاً فروریخته است. برای مثال، زنا پیش‌تر در حقوق غرب جرم تلقی می‌شد، اما امروزه فقط در مورد روابط نامشروع متأهلین صدق می‌کند و این نوع زنا می‌محصنه، که در حقوق کیفری اسلام اشد مجازات را دارد، در کامن‌لای امروزی فقط برای متضرر، حق طلاق ایجاد می‌کند که برای زانی هیچ‌گونه بازدارندگی ندارد. اکثر زوجین در انگلیس، از ازدواج به‌عنوان قدم دوم، پس از شروع رابطه، یاد می‌کنند که آداب و رسوم خاص خود را دارد. به نظر این افراد، رابطه پیش‌از ازدواج تا حد زیادی به تصمیم‌گیری درخصوص آینده زندگی مشترک کمک می‌کند (Bruce, 2012, P.3).

با توجه به موارد مزبور و علی‌رغم اینکه رابطه مشروع زن و مرد در حقوق ایران، ذیل دو عنوان ازدواج دائم و موقت تعریف شده، در نظام حقوقی غرب، این رابطه تنها به ازدواج محدود نمانده و به شاخه‌های بیشتری تقسیم شده است. در اینجا هر یک از این مفاهیم مختصراً تعریف و سپس علل گرایش به آنها مشخص می‌شود و پیامدهای فردی و اجتماعی آنها در مقایسه با ازدواج موقت، به‌عنوان راهکار نظام حقوقی ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مفهوم ازدواج سفید

ازدواج سفید نوعی رابطه عاطفی - جنسی بین زن و مرد است که زوجین بدون خواندن صیغه عقد نکاح، اقدام به تشکیل زندگی مشترک می‌کنند (محمدی اصل، ۱۳۹۳، ص ۲۰). علت این نام‌گذاری سفید بودن شناسنامه دختر و پسر و درج نشدن نام آنها در شناسنامه یکدیگر است (رحمت‌آبادی و کاریزی، ۱۳۹۶، ص ۷۹).

امروزه در غرب، معمولاً از دو نوع عمده ازدواج سفید یاد می‌شود: ازدواج سفید پیش از ازدواج و ازدواج سفید بدون ازدواج. در الگوی اول، ازدواج سفید مرحله مقدماتی و آزمایشی برای رسیدن به ازدواجی بهتر است؛ اما در الگوی دوم، ازدواج سفید اساساً جایگزین ازدواج رسمی و قانونی شده است و برخلاف الگوی اول، فرزندآوری به وفور دیده می‌شود. امروزه در کشورهای مرکز و جنوب اروپا و همچنین ایالات متحده آمریکا، الگوی ازدواج سفید بدون ازدواج به سرعت در حال گسترش است که بدون شک، تأثیرات مهم و عمیقی را در طولانی مدت بر ساختار این جوامع بر جای خواهد گذاشت (قنبریان، ۱۳۹۶، ص ۱۷۵).

مفهوم ازدواج کامن‌لا (ازدواج عرفی)

ازدواج عرفی ازدواجی است که در آن زن و شوهر بدون تشریفات رسمی و بدون کسب مجوز ازدواج، مدتی با هم زندگی می‌کنند و خود را درمقابل دوستان، خانواده و جامعه به‌عنوان متأهل معرفی می‌نمایند. برای آنکه ازدواجی عرفی تلقی شود، چند الزام کلی وجود دارد:

- زوجین باید با هم زندگی کنند (این شرط لازم است اما کافی نیست)؛
 - هر دو طرف باید از حق قانونی برای ازدواج برخوردار باشند: هر دو باید ۱۸ساله تمام و عاقل بوده و با شخص دیگری ازدواج ننموده باشند؛
 - هر دو باید مایل به ازدواج باشند؛
 - باید درمقابل دیگران خود را به‌عنوان فردی متأهل معرفی نمایند، از نام خانوادگی یکسان استفاده کنند و حساب بانکی/ کارت اعتباری مشترک داشته باشند؛^۱
 - طرفین باید دگرجنس‌خواه باشند و در کشوری زندگی نمایند که ازدواج عرفی را به رسمیت می‌شناسد.^۲
- با عنایت به موارد فوق، مشخص می‌شود که عبارت ازدواج عرفی برای افرادی به کار می‌رود که به شکل رسمی ازدواج نکرده‌اند اما با یکدیگر زندگی می‌کنند و معتقدند هم‌زیستی

1. <https://family.findlaw.com/marriage/common-law-marriage.html>

2. www.investopedia.com/financial-edge/0210/marriage-vs.-common-law-what-it-means-financially.aspx

ایشان همانند زوجین قانونی است؛ درحالی که در الگوی اول ازدواج سفید، به رابطه به چشم مقدمه‌ای برای ازدواج نگاه می‌شود و الگوی دوم نیز فاقد قیود فوق است و هر نوع ارتباط بدون ازدواج قانونی را در بر می‌گیرد. درواقع ازدواج سفید نسبت به ازدواج عرفی، مفهومی عام‌تر است و با سهولت بیشتری انجام می‌شود.

ازدواج عرفی از سال ۱۷۵۳ اعتبار خود را در حقوق انگلستان از دست داده است و لذا اگر زن و مردی بدون ازدواج با یکدیگر زندگی کنند، آثار و مزایای مترتب بر ازدواج رسمی بر رابطه‌ی ایشان بار نخواهد شد. البته همچنان افرادی وجود دارند که از این موضوع غافل‌اند و همین مسئله سبب نگرانی دولت انگلستان شده است. درنهایت گروهی از مشاوران گرد هم آمدند تا راهکارهایی را در جهت حذف ازدواج عرفی ارائه دهند و بی‌اعتباری این ازدواج را به جامعه ابلاغ نمایند.

دادگاه‌ها نیز تلاش می‌کنند تا افرادی را که از کشورهای دیگر به انگلستان می‌آیند از تبعات سوء رابطه‌ی بدون ازدواج برهانند (Welstead and Edwards, 2013, P.17).

نکته‌ی بعدی آن است که در ازدواج عرفی، همان‌طور که در متن ذکر شده، طرفین معتقدند ارتباط ایشان مشابه ازدواج قانونی است و لذا لازم است حقوق قانونی هم برای ایشان در نظر گرفته شود؛ یعنی اصل را بر این گذاشته‌اند که با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و کار تمام شده است؛ درحالی که در الگوی اول ازدواج سفید، به رابطه به چشم مقدمه‌ای برای ازدواج نگاه می‌شود و الگوی دوم هم فاقد قیود لازم برای به رسمیت شناخته شدن است و هر ارتباط بدون ازدواج قانونی را می‌تواند در بر بگیرد. درواقع سفید نسبت به عرفی، مفهومی عام‌تر است و انجام آن نیز بسیار راحت‌تر می‌باشد.

مفهوم همباشی

هنگامی که ازدواجی بدون رعایت تشریفات قانونی صورت بگیرد، دکترین کامن‌لا از آن با عنوان همباشی یاد می‌کند. برخی از اندیشمندان در این زمینه اظهار می‌دارند: وقتی زن و مردی برای مدتی طولانی و تحت شرایط خاصی با یکدیگر زندگی می‌کنند و دیگران از ایشان به عنوان زن و شوهر یاد می‌نمایند، نوعی ازدواج قانونی بین ایشان در نظر گرفته می‌شود، حتی اگر

هیچ مدرکی دال بر ازدواج آنها یافت نشود (Welstead and Edwards, 2013, P.28). دکترین فوق مبتنی بر اندیشه‌ای است که اعتقاد دارد مفقود شدن مدارک ازدواج یا ثبت نشدن آن امری دور از ذهن نیست و لذا نباید به هر رابطه مشکوکی برچسب بی‌اعتباری زد. همباشی غالباً کوتاه‌مدت است و با ازدواج یا جدایی زودهنگام طرفین به پایان می‌رسد. البته درصد اندکی از افراد نیز همباشی را برای مدتی طولانی‌تر یا برای همیشه حفظ می‌نمایند. با افزایش شمار این افراد، همباشی‌های بلندمدت نیز نرخ صعودی را تجربه می‌کنند (W. Waggoner, 2015, P.215). از نظر جامعه‌شناسی، اختلافاتی مبنی بر این وجود دارد که آیا باید برای همباشی نیز مانند ازدواج با همجنس، چارچوب قانونی تعریف شود یا خیر و قانون خانواده تا چه حد باید روابط خصوصی را تنظیم کند. «نکته اصلی در این رابطه استقلال و حمایت است. از یک طرف، عده‌ای استدلال می‌کنند که همباشی یعنی انتخاب عدم ازدواج و بنابراین تحمیل رژیم ازدواج به آن، انکار اختیار افراد است. از سوی دیگر، گروهی معتقدند که صرف نظر از عدم رعایت تشریفات قانونی در همباشی، باید به منظور محافظت طرفین از آسیب، عواقب قانونی بر این رابطه در نظر گرفته شود. علاوه بر این، عده‌ای نگران‌اند که به رسمیت شناختن همباشی باعث از بین رفتن جایگاه ویژه ازدواج در جامعه شود و مایل‌اند این دو پدیده را کاملاً متمایز نگه دارند» (Whiting, 2020, P.52).

مسئله فوق ضمن تصویب لایحه مشارکت مدنی در پارلمان انگلستان مورد بحث قرار گرفت و در نهایت دولت اعلام کرد که «درمورد رابطه همباشی، شرکای غیرهمجنس نیازی به قانون مشارکت مدنی ندارند؛ چراکه حق ازدواج پیش‌تر برای ایشان به وجود آمده است و تنها شرکای همجنس مشمول این قانون خواهند بود. این دیدگاه منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا به این توجه نکرده است که در همباشی با وضعیتی مواجهیم که حداقل یکی از طرفین قادر به ازدواج نیست؛ چراکه قبلاً ازدواج کرده است و نمی‌خواهد یا نمی‌تواند طلاق بگیرد. برخی از افراد نیز به دلیل مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تمایلی به ازدواج یا ورود به رابطه با همجنس در خود احساس نمی‌کنند. عده دیگری ممکن است خواهان رسمی کردن رابطه خود باشند، اما فعلاً از آمادگی لازم برای این کار برخوردار نباشند. هیچ‌یک از این افراد از مخاطرات روابط غیررسمی آگاهی ندارند و زمانی به این امر پی می‌برند که در وضعیتی بغرنج گرفتار آیند و از حقوق

زوجین یا شرکای قانونی بی بهره بمانند. چنین وضعیتی معمولاً در پایان روابط ایجاد می‌شود» (Welstead and Edwards, 2013, P.28).

نظر به مشکلات موجود، دادگاه عالی انگلستان ناامیدی خود را از وضعیت ابراز نموده و خواستار تغییر قوانین انگلیس شده است؛ زیرا درحالی‌که انگلستان و ولز از پذیرش قانونی ازدواج همجنس‌گرایان استقبال کرده‌اند، همباشی دگرجنس‌گرایان همچنان توسط دولت به‌عنوان یک معضل اجتماعی و تهدیدی برای ازدواج رسمی تلقی می‌شود و فاقد قانونی متقن و جامع می‌باشد (barlow, 2015, P.1).

همباشی به چند طریق صورت می‌گیرد:

الف. هریک از طرفین برای خود منزلی دارد، ولی به‌طور مرتب طرف دیگر را ملاقات می‌کند.

ب. یکی از طرفین به منزل دیگری نقل مکان می‌کند.

ج. رابطه به فرزندآوری منتهی می‌شود.

البته عده‌ای نیز وجود دارند که در عین برقرار بودن رابطه همباشی، وانمود می‌کنند که ازدواج کرده‌اند تا پس از گذشت مدتی، از مزایای کسانی که به‌صورت رسمی ازدواج کرده‌اند، بهره‌مند گردند. این افراد نمی‌دانند که چنین امری در انگلستان امکان‌پذیر نیست (Welstead and Edwards, 2013, P.28).

پس از بررسی نهادهای فوق، لازم است به این سوال پاسخ داده شود که دلیل استقبال افراد از آنها چیست.

علل گرایش به نهادهای جایگزین ازدواج در انگلستان

افراد و به‌ویژه قشر جوان به دلایل متعددی از نهادهای جایگزین ازدواج دائم استقبال می‌نمایند و چنین رابطه‌ای را به ازدواج دائمی ترجیح می‌دهند. برخی از علل توجه به این نهادها عبارت‌اند از:

گسترش روابط دختر و پسر

با گسترش ارتباطات و افزایش حضور زنان در جامعه، ایجاد رابطه میان زن و مرد نیز با سهولت بیشتری انجام گرفت و تأثیر چشمگیر آزادی بی‌سابقه روابط جنسی با گسترش

همخانگی از دهه ۱۹۸۰ میلادی آشکار گردید. در همین ارتباط، باید کاهش کنترل والدین بر روابط آزاد و رفتارهای جنسی فرزندان را نیز مورد توجه قرار داد. جوانان امروز در غرب، فرزندان سلفی هستند که در دهه ۱۹۶۰ میلادی جریان موسوم به انقلاب جنسی را به راه انداختند یا در آن حضور داشتند و از این رو نسبت به نسل‌های پیشین، تمایل و نیز قدرت کمتری برای اعمال نظارت و کنترل فرزندان خود دارند (بستان، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

نظریات فمینیستی

پذیرش نظریات اندیشمندان مکتب فمینیسم از دیگر دلایل گسترش نهادهای جایگزین ازدواج می‌باشد. این اندیشمندان در دفاع از آزادی تا آنجا پیش می‌روند که ازدواج و تشکیل خانواده را به بردگی تشبیه می‌کنند و آن را برده‌داری قانونی برمی‌شمارند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، ص ۸۱). به همین دلیل، معتقدان به فمینیسم رادیکال مفهوم زوج آزاد را در برابر مفهوم ازدواج مطرح می‌کنند. نظریه زوج آزاد نوعی هم‌زیستی مشترک بین زن و مرد است که بر مبنای آن هیچ مسئولیت حقوقی‌ای بر عهده طرفین نمی‌آید، بلکه فقط پاسخی به نیازهای جنسی است و غالباً نیازهای عاطفی را برآورده نمی‌سازد (همان، ص ۱۱۵).

معضلات اقتصادی

دشواری‌های مالی و اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای در رویگردان شدن افراد از ازدواج دائم و استقبال از نهادهای جایگزین دارند. استقلال اقتصادی و ثبات شغلی از جمله پیش‌نیازهای ازدواج‌اند؛ اما امروزه این دو عامل به‌سختی با یکدیگر جمع می‌شوند و عوامل دیگری همچون بیکاری، تورم، دشواری در یافتن شغلی دائمی و ...، سبب عدم گرایش جوانان به ازدواج می‌گردند.

این بدین معناست که جوانان در سن ازدواج، شرایط ازدواج را ندارند و فاصله بین بلوغ جنسی و اقتصادی آنها زیاد می‌شود. در نتیجه زمینه‌های شکل‌گیری رفتارهای جنسی نامتعارف و پیدایش پدیده همخانگی فراهم می‌گردد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۵). به‌علاوه در ازدواج، هزینه‌های هنگفتی جهت تهیه جهیزیه، برگزاری مراسمات مختلف و ... وجود دارد و حال آنکه در نهادهای یادشده، خبری از این مخارج سنگین نیست. بنابراین دو

نفر به اندازه استطاعت مالی خود، هرکدام به تنهایی خودشان را تأمین می‌کنند (رحمت‌آبادی و کاریزی، ۱۳۹۶، ص ۸۶).

گریز از مسئولیت‌پذیری

ازدواج نیازمند تعهد زوجین و پذیرش مسئولیت در قبال یکدیگر است که همین مسئله سبب محدود شدن آزادی ایشان نسبت به دوران مجرد می‌گردد. این امر عامل مهمی در عدم گرایش جوانان امروزی به ازدواج است. در مقابل، هریک از نهادهای جایگزین، چون نه الزاماً در جایی ثبت می‌شود و نه تعهد و مسئولیت مهمی را ایجاد می‌کند و همیشه و بدون هیچ دلیلی قابل به هم زدن است و همچنین اگر زن و مرد از هم سیر شوند، می‌توانند زنان و مردان دیگری را تجربه کنند، محبوبیت بیشتری در میان زنان و مردان به اصطلاح آزاد غربی پیدا کرده است (سمیعی، ۱۳۹۳، ص ۵۰).

زندگی آزمایشی

پیش‌تر اشاره شد که عده‌ای از افراد به نهادهای جایگزین ازدواج روی می‌آورند تا آنها را در کسب شناخت کافی از نگرش‌ها، رفتارها و خلق و خوی یکدیگر، پیش از ازدواج یاری کند. آنها اصطلاحاً می‌خواهند از نزدیک، همسر آینده خود را تجربه کنند تا به صورت چشم‌وگوش‌بسته ازدواج نکنند (همان، ص ۵۱). این افراد تصور می‌کنند که با ازدواج پس از آزمایش زندگی مشترک، سازگاری بیشتری را تجربه خواهند کرد؛ اما اکثر پژوهش‌هایی که در استرالیا و سایر کشورهای غربی درباره این موضوع انجام شده، نشانگر روندی کاملاً معکوس بوده است؛ یعنی ازدواج‌هایی که با زندگی مشترک غیررسمی همراه بوده، اغلب در مقایسه با ازدواج‌های رسمی و دائم، عمر کوتاهی داشته است (رحمت‌آبادی و کاریزی، ۱۳۹۶، ص ۸۵).

حال باید دید در صورتی که امکان ازدواج دائم موجود نباشد و افراد ناچار به انتخاب روش‌های دیگری برای برآوردن نیازهای خود باشند، راهکار پیشنهادی کدام یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، بیشتر هدف فرد را تأمین و مسائل کمتری برای او ایجاد می‌نماید.

بررسی تطبیقی ابعاد نهادهای جایگزین ازدواج در ایران و انگلستان

اگرچه در نظام حقوقی ایران، ازدواج موقت به عنوان یک راهکار ثانویه مطرح می‌شود و تنها در شرایطی مجاز است که ازدواج دائم مقدور نباشد، اما به هر صورت، نوعی ازدواج است و انتخاب چنین نهادی به دلایل متعدد، بر روابط خارج از ازدواج ارجحیت دارد. نهادهای مذکور به دلیل عدم برخورداری از چارچوبی مشخص و به دلیل آنکه به اندازه ازدواج، تحت حمایت قانون قرار نمی‌گیرند و ضوابط محکمی برای آنها تعریف نشده است، پیامدهای بسیاری در زندگی افراد خواهند داشت که برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشند (با توجه به آنکه موضوع این گفتار مقایسه نهادهای جایگزین نظام حقوقی انگلستان با ازدواج موقت - به عنوان راهکار نظام حقوقی ایران - می‌باشد، از تکرار صفت «موقت» خودداری می‌گردد):

روابط مالی طرفین

صرف نظر از مبحث مهریه، که در بخش‌های قبل در خصوص آن توضیحاتی ارائه شد، در این بخش، به مسئله ارث و نفقه در ازدواج موقت پرداخته می‌شود و سپس روابط مالی زوجین در نهادهای موازی غربی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در ماده ۱۰۷۷ قانون مدنی چنین آمده است: در نکاح منقطع، احکام راجع به وراثت زن و مهر او همان است که در باب ارث مقرر شده است. طبق ماده ۹۴۰ همان قانون نیز، زوجینی که زوجیت آنها دائمی است و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند. در این قانون، ماده‌ای که تصریح به ارث زن و شوهر در ازدواج موقت نماید، وجود ندارد؛ اما از مفهوم مخالف ماده ۹۴۰ که شرط ارث بردن زن و شوهر از یکدیگر را فقط مربوط به ازدواج دائم دانسته است، چنین استنباط می‌شود که در عقد ازدواج موقت، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.

شرط ارث در ازدواج موقت به سه طریق مفروض است:

الف. شرط ارث برای هر دو: اگر زن و شوهر در ضمن عقد ازدواج موقت، شرط نمایند

که از یکدیگر ارث ببرند، برخی قائل به این هستند که این شرط صحیح است.

ب. شرط ارث برای یکی از طرفین: هرگاه در ضمن عقد ازدواج موقت، شرط شود که فقط

یکی از زوجین از دیگری ارث ببرد، شرط صحیح است.

ج. عدم ارث ولو با شرط: زن و شوهر در ازدواج موقت از یکدیگر ارث نمی‌برند، حتی اگر شرط شده باشد (گنجی، ۱۳۸۴، صص ۱۲۳ و ۱۲۴).

با توجه به عدم ذکر توارث زوجین در ازدواج موقت در قانون مدنی، به نظر می‌رسد اگر چنین شرطی بین ایشان شود، شرط باطل است؛ زیرا شرط توارث در این مسئله، شریک نمودن غیر وارث در ترکه‌ای است که متعلق به ورثه قانونی متوفی است و در نتیجه برخلاف قوانین امره ارث می‌باشد. البته اگر در ضمن ازدواج موقت، زن و شوهر یا یکی از آنها شرط کند که پس از مرگ، دیگری در قالب وصیت از او ارث ببرد، چنین شرطی تا مقدار ثلث صحیح است (امامی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۹).

در خصوص نفقه، وفق ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد، مگر اینکه شرط شده باشد یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. بنابراین در ازدواج موقت، مرد عهده‌دار مسئولیت نفقه زن نیست، اما چنانچه حق نفقه از سوی زن در حین عقد ازدواج شرط شود و مرد آن را بپذیرد، صحیح است؛ زیرا هر شرطی که مخالف مقتضای ذات عقد نباشد، نافذ می‌باشد و شرط حق نفقه نیز همین‌طور است.

چنانچه طبق شرط مذکور، مرد ملزم به پرداخت نفقه همسر خود باشد، ولی از دادن آن استتکاف نماید، طبق ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی، زن می‌تواند به دادگاه رجوع کند. دادگاه میزان نفقه را تعیین و شوهر را به پرداخت آن محکوم خواهد کرد. اگر خودداری شوهر از پرداخت نفقه به دلیل عجز و عدم توانایی در تأدیه آن باشد یا شوهر بدون جهت نفقه زن خود را نپردازد و دادگاه هم نتواند شوهر را ملزم به پرداخت نفقه کند یا اجرای آن ممکن نباشد، زن می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه نماید و دادگاه شوهر را اجبار به بذل مدت کند و در صورت استتکاف وی، دادگاه خود، زن را رها و باقی مدت را بذل نماید. این مسئله در ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی منعکس شده است.

موضوع دیگری که در ازدواج موقت مدنظر قرار می‌گیرد، مسئله ثبت نکاح است. ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در این زمینه مقرر می‌دارد: نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل

خانواده است، مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی بوده و ثبت آن در این موارد الزامی است: باردار شدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد.

با توجه به این ماده، مشخص می‌شود که رویکرد اصلی و اولیة قانون‌گذار، عدم لزوم ثبت به دلیل اولویت نداشتن این نوع ازدواج (نسبت به ازدواج دائم) و خصوصی دانستن آن است؛ اما در شرایطی برای پیشگیری از سوءاستفاده، ثبت را لازم می‌شمارد.

بنابر آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که روابط مالی زوجین در اسلام، به خوبی خط‌کشی شده و خداوند متعال برای فروض مختلف، راهکارهای متعددی را ارائه نموده است. حال باید دید آیا تنظیم روابط در نظام حقوقی انگلستان نیز، به همین اندازه کارگشاست یا نواقصی دارد.

به طور کلی، کسانی که به عنوان زوج مورد شناسایی قرار می‌گیرند، از بسیاری از مزایای زوجینی که به صورت قانونی ازدواج کرده‌اند بهره‌مند می‌شوند. بخشی از مزایا عبارت‌اند از: الف. واجد شرایط بودن برای دریافت خدمات تأمین اجتماعی؛ البته این زوج‌ها باید ثابت کنند که سال‌هایی را با یکدیگر زندگی کرده‌اند.

ب. استحقاق دریافت مزایای کارفرما (همچون بیمه سلامت) از طریق همسر؛

ج. معافیت از مالیات هدایا؛

د. معافیت‌های زناشویی نامحدود در زمینه املاک؛

ه. امکان مطالبه کسر سود وام مسکن (در صورت مالکیت مشترک یک خانه)؛

و. ارث بردن از اموال همسر تا زمانی که اراده معتبری وجود داشته باشد (اما اگر همسری فوت کند، فرزندان و سایر اعضای خانواده ارث می‌برند و همسر زنده از آن برخوردار نمی‌شود)؛

ز. استفاده از وکالت‌نامه پزشکی همسر (در صورت عدم توانایی فرد، همسرش در خصوص

مسائل پزشکی او تصمیم‌گیری خواهد کرد).^۱

1. <https://www.investopedia.com/financial-edge/0210/marriage-vs.-common-law-what-it-means-financially.aspx>

کمیسیون حقوق نیز در سال ۲۰۰۷، برنامه پیچیده‌ای برای مسائل مالی رابطه همباشی پیشنهاد کرد که در آن چنین آمده است: «همباشی همواره یک رویه اجتماعی قابل توجه بوده که امروزه در حال گسترش است و در آینده نیز، به این روند ادامه خواهد داد. البته صرف این مسئله دلیل قانع‌کننده‌ای برای اصلاح قانون نیست، اما همگان این نکته را پذیرفته‌اند که حقوق کنونی از جامعیت لازم برخوردار نیست و این امر منجر به ایجاد شرایط ناخوشایندی می‌شود که تأثیرات چشمگیری بر نسبت جمعیت بر جای می‌گذارد... ما از دولت می‌خواهیم که اقدامات لازم را برای ارائه راه‌حل‌های قانونی به این بخش از جامعه به عمل آورد و با عواقب مالی این قضیه، به وجهی عادلانه برخورد نماید» (Welstead and Edwards, 2013, P.101).

انحلال روابط

رابطه زن و مرد ممکن است به جدایی بینجامد و در این مسئله، تفاوتی میان ایران و انگلستان وجود ندارد. آنچه سبب ایجاد تفاوت می‌شود، واکنشی است که هریک از نظام‌های حقوقی در مواجهه با چنین وضعیتی بروز می‌دهند:

به نظر می‌رسد ازدواج موقت به پنج طریق منحل می‌گردد:

۱. فسخ نکاح: فسخ در لغت و در مفهوم فقهی آن، به معنای بر هم زدن و قطع کردن است (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۶) و در ازدواج موقت در ردیف ایقاعات می‌باشد؛ یعنی تنها به اراده صاحب حق واقع می‌شود و نیازی به رضایت همسر او ندارد. موارد فسخ در نکاح موقت به دو دسته عیوب مشترک و اختصاصی تقسیم می‌شود. تنها عیب مشترکی که به موجب ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی برای هریک از زن و مرد ایجاد حق فسخ می‌نماید، جنون است؛ مشروط به آنکه استقرار داشته باشد.

عیوب اختصاصی نیز دارای دو نوع عیوب اختصاصی مرد و عیوب اختصاصی زن هستند. خصاء، عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی در مرد طبق ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی موجب حق فسخ برای زن است و وفق ماده ۱۱۲۳ همان قانون، قرن، جذام، برص، افصاء، زمین‌گیری و نابینایی از هر دو چشم در زن نیز، حق فسخ نکاح را به مرد می‌دهد.

۲. بذل مدت: بذل مدت در اصطلاح عبارت است از واگذاری بقیه مدت ازدواج موقت. ازدواج

موقت با بذل مدت از طرف شوهر منحل می‌گردد و رضایت یا عدم رضایت زن در آن تأثیری ندارد. لذا بذل، ایقاعی است که تنها به اراده شوهر واقع می‌شود و به تشریفات دیگری نیاز ندارد. به همین دلیل، مرد می‌تواند مدت باقی‌مانده را در هنگامی که زن در حیض یا در طهر مواجهه نیز باشد، ببخشد.

۳. انقضای مدت: انقضای مدت به این معنی است که مدت عقد به خودی خود تمام شود. در واقع پس از خاتمه مدت معهود، زوجین نسبت به یکدیگر نامحرم می‌شوند و زن باید عده نگه دارد.

عده زن در سه مورد ذکر شده در غیرحامل، مطابق ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی، دو طهر است، مگر اینکه زن به اقتضای سن، حیض نبیند که در این صورت ۴۵ روز است. عده زن حامل نیز طبق ماده ۱۱۵۳، تا وضع حمل می‌باشد.

۴. فوت: اگر در اثنای رابطه زوجیت موقت، یکی از زن یا شوهر فوت نماید، عقد ازدواج منحل می‌گردد و چنانچه مرد فوت کرده باشد، زوجه باید عده نگه دارد. عده وفات، وفق ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی ۴ ماه و ۱۰ روز است، مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت، عده وفات تا موقع وضع حمل است؛ مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از ۴ ماه و ۱۰ روز بیشتر باشد و الا مدت عده همان ۴ ماه و ۱۰ روز خواهد بود.

۵. انفساخ: انفساخ در ازدواج موقت از بدیهیات انحلال در عقد است و چنانچه پس از عقد ازدواج موقت، مرد یا زن مرتد شود، عقد از همان موقع منفسخ می‌شود و رضایت یا عدم رضایت هیچ یک تأثیری در انفساخ عقد ندارد (امینی و آیتی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۰).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نظام حقوقی ایرانی - اسلامی طرق انحلال رابطه را به‌طور کامل احصا و تکلیف زن و مرد را چه در خصوص عده و چه درباره مهر، به تفصیل مشخص نموده است. در حالی که در حقوق انگلستان، چنین تقسیماتی صورت نگرفته و برخی مسائل نیز مغفول واقع شده است که همین امر مشکلات عدیده‌ای را برای هر یک از طرفین به وجود می‌آورد.

امروزه بحث‌های گسترده‌ای در باب وضعیت طرفین در پایان این روابط مطرح می‌شود. عده‌ای معتقدند باید با این افراد دقیقاً همانند زوجین قانونی برخورد شود و دسته دیگری بر

این باورند که در همباشی، زوجین می‌توانند بدون دخالت دادگاه به‌طور غیررسمی از هم جدا شوند.^۱ روث دیچ در این خصوص چنین می‌گوید: «با پایان یافتن همباشی، زن دیگر محتاج مرد نیست و مرد نیز در قبال او مسئولیتی ندارد. پس بهتر است هیچ نوع دخالت قانونی در همباشی وجود نداشته باشد و مسائلی همچون وصیت و دارایی، به توافقات طرفین و عرف محل واگذار شود. من می‌توانم مستنداً ثابت کنم که قانون همباشی، آزادی زنان را نقض می‌کند، موجب تضعیف رابطه می‌شود و بسیار هزینه‌زاست. به جای ایجاد چارچوب‌های کلیشه‌ای و قالب‌های ازدواج سنتی، شخصی‌سازی و استفاده از توافقات نام‌ها را برای حل و فصل محدودیت‌های قانونی و احترام به انتظارات و سهم افراد پیشنهاد می‌کنم» (Welstead and Edwards, 2013, P.199).

در مقابل، بارون هیل، عضو دادگاه عالی انگلستان، معتقد است باید قانون اسکاتلند را مورد توجه قرار داد که تکلیف مسائل مالی را در پایان همباشی مشخص کرده است. هیل بر همین اساس، پیشنهاد کمیسیون حقوق مبنی بر اصلاح قوانین فعلی را، که سبب بی‌عدالتی شده‌اند، قابل تحسین می‌داند؛ چراکه با افزایش نرخ همباشی و فرزندان ناشی از آن و همچنین باور عمومی به اینکه رسالت حقوق، محافظت از افراد است، تغییر قانون و ارائه راهکارهای متناسب ضروری می‌نماید.

کمیسیون حقوق اخیراً مسائلی مالی را در رابطه همباشی مورد توجه قرار داده و این امر منجر به ارائه دو پیشنهاد گردیده است؛ البته مادامی که دولت دست به وضع قوانین جدیدی نزده است، این پیشنهادات صورت جدی به خود نخواهند گرفت. کمیسیون مذکور متوجه شد که بسیاری از افراد در پایان رابطه، دچار عسر و حرج می‌شوند و این مسئله نه تنها بر آنها، بلکه بر فرزندان‌شان نیز تأثیراتی بر جای می‌گذارد؛ به نحوی که حتی ممکن است ایشان را به کمک‌های مالی دولت نیازمند نماید. اکثریت قریب به اتفاق مردم معتقدند طرفین همباشی باید حق درخواست کمک مالی از شریک خود را در پایان رابطه داشته باشند؛ درحالی‌که گروه دیگری عقیده دارند باید به این افراد پیش از ورود به هرگونه رابطه‌ای، اطلاعاتی در مورد

1. <https://www.citizensadvice.org.uk/family/living-together-marriage-and-civil-partnership/living-together-and-marriage-legal-differences>

قانون فعلی داده شود تا براساس آن تصمیم بگیرند که آیا خواهان چنین رابطه‌ای هستند یا بیشتر تمایل به ازدواج یا ورود به روابط رسمی دارند تا از این طریق، تحت حمایت قانون قرار بگیرند (ibid, P.198 - 199).

از نظر کمیسیون حقوق، هیچ‌یک از این دو حالت قابل پذیرش نیست؛ زیرا برخی از افراد وارد روابطی می‌شوند که به اندازه ازدواج، تعهدآور نیست و در واقع عمداً این مسیر را انتخاب می‌کنند؛ چراکه تمایلی به داشتن مسئولیت‌های قانونی ندارند و این مسئله را پذیرفته‌اند که به لحاظ قانونی، از هیچ حقی برخوردار نباشند. در طرف دیگر، با اشخاصی روبرو هستیم که فاقد قدرت لازم برای قانونی کردن روابط خود هستند یا با کسی زندگی می‌کنند که از رسمی نمودن رابطه امتناع می‌ورزد. مسلماً نادیده گرفتن حق این دسته، دور از انصاف است.

بنابراین کمیسیون مذکور پیشنهاد نموده است که به دلایل ذیل، طرفین همباشی باید در پایان رابطه از تسهیلات مالی برخوردار شوند:

- تأمین اقشار آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی؛
- بازسازی زندگی آنها؛
- تقسیم دارایی‌ها و اطمینان از اینکه دارایی مثبت و منفی به‌طور مساوی میان زن و مرد تقسیم شده است (Welstead and Edwards, 2013, P.).

با وجود تمامی این بحث‌ها و پیشنهادهای، هنوز هیچ قانونی برای بهبود وضعیت افرادی که وارد چنین روابطی می‌شوند، تصویب نشده و همین موضوع، سبب سردرگمی افراد و ایجاد مشکلات فراوانی در انگلستان گردیده است.

درخصوص چگونگی وضعیت هر یک از طرفین در صورت فوت طرف دیگر نیز، نظام حقوقی انگلستان مقرر می‌دارد که اگر یکی از ایشان بدون تنظیم وصیت‌نامه از دنیا برود، طرف مقابل به صورت خودکار از او ارث نخواهد برد؛ مگر اینکه زوجین دارای مالکیت مشترکی باشند.^۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ارث بردن طرفین از یکدیگر منوط به وجود وصیتی دال بر آن است و چنانچه فرد در وصیت‌نامه خود، برای طرف دیگر به میزان کافی مالی را وصیت نکرده

1. <https://www.citizensadvice.org.uk/family/living-together-marriage-and-civil-partnership/living-together-and-marriage-legal-differences/>

باشد، طرف زنده می‌تواند با رجوع به دادگاه، درمورد دارایی او اعلام شکایت نماید. ضمناً در همباشی برخلاف ازدواج رسمی، وارث از پرداخت مالیات ارث معاف نخواهد بود.^۱

یافته‌های پژوهش

تمامی افراد بشر دارای نیازهایی هستند و نیاز به تشکیل خانواده، برقراری رابطه جنسی و و تناسل به صورت غریزی در نهاد ایشان قرار داده شده است. نظام‌های حقوقی مختلف در پاسخ به این دسته از نیازها، نهاد ازدواج را پیش‌بینی نموده و با وضع مقرراتی، سعی در سامان بخشیدن به این پدیده داشته‌اند.

نظام حقوقی اسلام که منبع اصلی تدوین قوانین ایران می‌باشد، اصالت و اولویت ازدواج دائم را مفروض می‌داند؛ اما این مسئله سبب غفلت از موقعیت استثنایی افرادی که توانایی ازدواج دائم ندارند، نشده و بر این اساس از یک طرف، ازدواج موقت را برای شرایط اضطراری پیشنهاد کرده است و از طرف دیگر، ضوابط محکمی را مطابق آموزه‌های اسلامی برای این نهاد وضع نموده تا عفت عمومی و حرمت افراد را حفظ نماید و مانع سوءاستفاده افراد مغرض از این دستور الهی گردد.

در نظام حقوقی انگلستان، ازدواج موقت در گذشته به‌عنوان یک سنت اجتماعی رواج داشته است؛ به این صورت که ازدواج موقت را نوعی زندگی زناشویی می‌دانستند که ناشی از ازدواج رسمی نیست؛ اما امروزه این نهاد منسوخ شده و نهادهای نوظهوری همچون همباشی، ازدواج عرفی و ازدواج سفید جایگزین آن گردیده است.

در عصر حاضر و با توجه به پیشرفت‌های شگرف در زمینه ارتباطات و فناوری اطلاعات، خانواده‌های ایرانی نیز از نهادهای یادشده تأثیر پذیرفته‌اند و بسیاری از افرادی که امکان ازدواج دائم برایشان فراهم نیست، به جای ازدواج موقت، از الگوهای متعدد روابط در غرب پیروی می‌کنند. این درحالی است که هیچ‌یک از نهادهای موجود در جوامع غربی با آموزه‌های

1. <https://www.citizensadvice.org.uk/family/living-together-marriage-and-civil-partnership/living-together-and-marriage-legal-differences>

دینی و فرهنگی جامع ایرانی همخوانی ندارد و مشکلات زیادی را برای افرادی که بدون اطلاع کافی، تن به این‌گونه روابط می‌دهند، ایجاد می‌نماید.

با بررسی نهادهای جایگزین ازدواج دائم در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، مشخص می‌شود نهادهایی که در سال‌های اخیر در جوامع غربی پدید آمده‌اند، دارای ضوابط کامل و کارآمدی نیستند و تنها در شرایط خاصی می‌توانند پاسخگوی مشکلاتی باشند که از رابطه خارج از ازدواج ناشی می‌شوند.

اسفناک‌تر آنکه مطابق ادعای اندیشمندان غربی، مادامی که دولت انگلستان دست به وضع قوانین جدیدی نزند، طرح‌هایی که برای نظام‌مند نمودن این نهادها ارائه شده است، تنها در حد پیشنهاد باقی می‌مانند و همین مسئله باعث شده دولت انگلستان امروز با افرادی روبرو باشد که فاقد قدرت لازم برای قانونی کردن روابط خود هستند یا با کسی زندگی می‌کنند که از فقدان قوانین مناسب سوءاستفاده کرده، از رسمی نمودن رابطه امتناع می‌ورزد.

این درحالی است که ازدواج موقت به دلیل بهره‌مندی از ویژگی‌های مثبتی همچون لزوم تعیین مدت نکاح، تأمین مشروع و قانونی نیاز جنسی، هویت‌بخشی به کودکان و در نتیجه مشخص بودن نسب، برخورداری از مقررات دقیق در خصوص روابط مالی طرفین، مشخص بودن راه‌های انحلال رابطه و نگاه داشتن عده، از امتیازات بیشتری نسبت به نهادهای غربی برخوردار می‌باشد و تنها نهادی است که می‌تواند به‌عنوان جایگزین حقیقی ازدواج دائم مطرح گردد. امید است که با تبیین دقیق احکام ازدواج موقت، از گرفتار شدن افراد ناآگاه در بند مشکلات ناشی از روابط غیرقانونی و خارج از ازدواج پیشگیری گردد و باب سوءاستفاده از این حکم متین الهی، که جنبه استثنایی داشته و جهت پاسخگویی به نیاز افراد در شرایط ویژه‌ای وضع شده است، ممانعت به عمل آید.

منابع

- قرآن کریم

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم و طالبی، سحر (۱۳۹۱). «هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران». فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی.

۳ (۱)، صص ۴۳ - ۷۸.

- احمد بن حنبل (۱۲۱۴ ق). مسند / احمد بن حنبل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اسدی مهماندوستی، محمد (۱۳۸۸). «دورنمای حقوقی ازدواج موقت». پژوهش‌نامه فقه و حقوق اسلامی. ۲ (۳ و ۴)، صص ۹ - ۳۲.
- امامی، اسدالله و صفایی، سید حسین (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده. تهران: میزان.
- امامی، سید حسن (۱۳۶۸). حقوق مدنی. ج ۴. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- امینی، علیرضا و آیتی، سید محمدرضا (۱۳۸۹). تحریرالروضه فی شرح اللمعه. ج ۲. تهران: سمت.
- بوستان، حسین (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری، سیاوش (۱۳۷۷). «ماهیت حقوقی فسخ در حقوق ایران»، ماهنامه کانون، (۵)، صص ۱۲۳ - ۱۳۴.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳). خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (۵).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه. ج ۱۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۲۴ ق). تفصیل وسائل الشیعه. ج ۲۱. قم: مؤسسه آل‌البتت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- حلبیان، حسین و ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۷). «چیستی‌شناسی مهر در ازدواج دائم و موقت». فقه و اصول، ۲ (۱۱۳)، صص ۴۳ - ۶۴.
- رحمت‌آبادی، اعظم و کاریزی، الهام (۱۳۹۶). «ازدواج سفید: پیامدها و خطرهای»، روفصلنامه علمی - اختصاصی مطالعات اسلامی میراث طاهای، (۱)، صص ۷۷ - ۱۰۲.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۳). خانواده در بحران، کشاکش‌الگوهای سنت و نوگرایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- قنبریان، مهدی (۱۳۹۶). «بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)». مطالعات حقوقی. ۲ (۱۷)، صص ۱۶۹ - ۱۸۲.

- کریمی، شیوا (۱۳۸۷). «جایگاه نکاح منقطع در فقه شیعه و امکان و موانع ترویج آن در جامعه ایرانی». *بانوان شیعه*، ۵ (۱۶)، صص ۷ - ۳۸.
- طباطبایی، محمدعلی (۱۳۰۸ ق). *ریاض المسائل*. ج ۲. تبریز: چاپ سنگی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *فروع کافی*. ج ۵. قم: قدس.
- گنجی، حسن (۱۳۸۴). *روابط زوجین در ازدواج موقت*. تهران: پیام عدالت.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*. تهران، نشر علوم اسلامی.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۹۳). «جنسیت ازدواج سفید»، *ماهنامه گزارش*. (۲۶۳)، صص ۱۸ - ۲۰.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). *اسلام و مقتضیات زمان*. تهران: صدرا.
- المقدسی، ابن قدامه (۱۴۱۹ ق). *روضه الناظر و جنت المناظر*. بیروت: موسسه الریان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۴). *تفسیر نمونه*. ج ۳. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موراتا، ساچیکو (۱۳۵۸). *ازدواج موقت (متع - صیغه)*. تهران: بنیاد همدمی.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۷۹). «مرزشناسی در ازدواج موقت (قسمت اول)». *مطالعات راهبردی زنان*، (۹)، صص ۷ - ۲۶.
- نطافتی، محمدرضا (۱۳۹۶). «ازدواج موقت و ارتباط سفید». *دوفصلنامه شهرقانون*. (۲۰)، صص ۳۷ - ۷۰.
- نیشابوری، ابن مسلم (بی تا). *الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم*. بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳.
- قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.
- Barlow, Anne, (2015), *Legislating for cohabitation in common law jurisdictions in Europe: Two Steps Forward and One step Back?*, Exeter, England

- Bruce, Katie Rose Esther, (2012). *Doing Coupledom: Imagining, Managing and Performing Relationality in Contemporary Wedding and Civil Partnership Rituals*, Southampton
- Grossbard, Shoshana and Vernon, Victoria, (2014). *Common Law Marriage and Couple Formation*, California, San Diego
- W. Waggoner, Lawrence, (2015), *Marriage Is on the Decline and Cohabitation Is on the Rise: At What Point, If Ever, Should Unmarried Partners Acquire Marital Rights*, Michigan, USA
- Welstead, Mary and Edwards, Susan, (2013). *Family Law*, Oxford, Oxford University Press
- Whiting, Kate, (2020), *Cohabitation in England & Wales and Scotland: The Case for Granting Equal Rights to Marital and Non-Marital Cohabitants*, Edinburg, England
- <https://hawzah.net>
- <https://www.hashemishahroudi.org/fa/questions/138>
- <https://family.findlaw.com>
- <https://www.investopedia.com>
- <https://www.citizensadvice.org.uk>